



مرکز پژوهش های اتاق ایران

چرخه دوگانه چین: ابعاد و پیامدها برای ایران



بهمن ۱۴۰۰

شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان:

چرخه دوگانه چین: ابعاد و پیامدها برای ایران

مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهی

تاریخ انتشار: بهمن ۱۴۰۰

واژه‌های کلیدی: چرخه دوگانه دولت توسعه‌گرا، بازار داخلی، اقتصاد بین‌المللی، صادرات محوری، امنیت انرژی و غذایی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۶	۱. چرخه دوگانه: چیستی
۱۱	۲. چرخه دوگانه در فرایند اجرا
۱۳	۳. چرخه دوگانه، پیامد دو روند در اقتصاد سیاسی چین
۱۸	۴. ایران و چرخه دوگانه چین
۲۰	منابع

مقدمه

برنامه اصلاحات و سیاست درهای باز دهه‌هاست به استراتژی کلان اقتصادی و سیاسی دولت توسعه‌گرای چین شکل می‌دهد. این کشور در دهه‌های اخیر جذاب‌ترین داستان توسعه را روایت کرده و مهم‌ترین برنده فرایند جهانی شدن بوده است. چین به مدد اصلاحات موفق ساختاری در اقتصاد از یک سو و گشودن درها به روی بازار جهانی از سوی دیگر در کوتاه زمانی از کشوری فقیر و در حاشیه اقتصاد و تجارت جهانی به دومین اقتصاد بزرگ جهان بدل شد. روند رشد چین و بهره‌مندی این کشور از امکانات جهانی شدن چنان بوده که بسیاری از کشورها آن را به سوءاستفاده از امکانات نظام تجارت چندجانبه متهم می‌کنند. اما همین کشور در اوج بهره‌مندی از امکانات جهانی و درحالی که بسیار سریع‌تر از رقیب در حال پیشرفت است ناگهان "چرخه دوگانه" را به‌عنوان استراتژی جدید توسعه اقتصادی مطرح می‌کند، چرخه‌ای که در آن تأکید بر اهمیت اقتصاد داخلی به‌عنوان موتور اصلی رشد و توسعه این کشور است. در برداشت نخست استراتژی چرخه دوگانه نوعی طراحی جاهلانه و احیای استراتژی منسوخ جایگزینی واردات به نظر می‌رسد، زیرا کشوری که با بهره‌مندی از امکانات جهانی به سرعت به سوی موقعیت مسلط در اقتصاد جهانی در حرکت است را به درون و به انزوا سوق می‌دهد، به‌ویژه آنکه انزواگرایی جاهلانه در تاریخ چین سابقه دارد. در گذشته نه‌چندان دور چین بسیار پیشرفته‌تر از اروپای در آستانه رنسانس بود، اما ناگهان انزوایی خودخواسته را برگزید، تعاملات با صحنه بین‌المللی را به حداقل رساند و شانس ایجاد جهان جدید را به اروپا داد.

به چه دلایلی چین استراتژی چرخه دوگانه را در پیش گرفته است؟ آیا صرفاً یک انتخاب از روی نادانی است یا ناشی از محاسبات پیچیده رهبران این کشور است؟ پیامدهای چرخه دوگانه چین و دیپلماسی اقتصادی این کشور را چگونه می‌توان مفهوم‌بندی نمود؟ آثار استراتژی جدید توسعه چین بر روابط این کشور با ایران را چگونه می‌توان مفهوم‌بندی کرد؟ گزارش حاضر معطوف به تبیین این موضوعات و پاسخ‌گویی به پرسش‌های مورد اشاره در بالاست.

۱. چرخه دوگانه: چیستی

به طور تاریخی حکومت‌های نخبه‌گرا همواره برچین حکم رانده‌اند. به دیگر سخن قدرت در چین همواره از رهبران کاریزماتیک یا بسیار قدرتمند نشئت گرفته است. در تداوم این تاریخ، حزب کمونیست چین به‌عنوان یکی از نخبه‌گراترین حکومت‌های جهان در دهه‌های اخیر قدرت را در این کشور در دست داشته و رهبران حزب بیشترین منابع قدرت را در دست خود متمرکز کرده‌اند. شی جین پینگ به‌عنوان یکی از قدرتمندترین رهبران چین شناخته شده است، به‌گونه‌ای که حتی منابع قدرت او را با مائو رهبر کاریزمایی انقلاب چین مقایسه می‌کنند.^۱

در این ساختار نخبه‌گرا، برنامه‌های کلان توسعه عموماً از سوی رهبران ارائه و پیگیری می‌شود.^۲ در چین سنتی وجود دارد که هر یک از رؤسای جمهور در دوره ریاست خود استراتژی کلانی برای پیشبرد توسعه اقتصادی در چین اعلام می‌کنند. در تداوم این سنت، شی پس از تکیه زدن بر صندلی ریاست‌جمهوری در ۲۰۱۲، "رؤیای چینی" را به‌عنوان استراتژی کلان برای پیشبرد توسعه اقتصادی در چین اعلام کرد. بر مبنای این استراتژی تا سال ۲۰۴۹ مقارن با صدمین سال سالگرد انقلاب چین این کشور باید به کشوری توسعه‌یافته در حوزه اقتصادی بدل شود.^۳ در سال ۲۰۱۹ حزب کمونیست قانون اساسی چین را تغییر داد و راه را برای ریاست‌جمهوری مادام‌العمر شی جین پینگ گشود؛ بنابراین شی جین پینگ ۶۸ ساله تا مادامی که شرایط جسمی او مجال می‌دهد می‌تواند استراتژی کلان رؤیای چینی را پیگیری نماید.

در یک دهه‌ای که از ریاست شی جین پینگ بر چین می‌گذرد، او ابتکارات متعددی را در داخل و خارج در راستای تحقق رؤیای چینی ارائه داده است. کمربند و راه مهم‌ترین و مشهورترین ابتکار محسوب می‌شود. افزون بر این استراتژی توسعه صنعتی جدید تحت عنوان "ساخت چین ۲۰۲۵" یکی دیگر از ابتکارات کلیدی دوره رهبری اوست.^۴ استراتژی اقتصادی چرخه دوگانه تازه‌ترین ابتکاری است که از سوی شی اعلام شده است. اعلام این استراتژی از سوی مرکزیت قدرت در چین به معنای بسیج منابع نظام سیاسی تا آینده‌ای قابل‌پیش‌بینی برای اجرای آن است.

در برداشت کلان چرخه دوگانه به معنای شکل‌دهی به مدلی جدید از رابطه بازار داخلی و اقتصاد سیاسی بین‌المللی است. در این مدل بازار داخلی و ارتباط چین با اقتصاد بین‌المللی یکدیگر را تقویت می‌کنند، اما نقش کلیدی یا به بیان دقیق‌تر نقش پیشران در اقتصاد چین را بازار داخلی ایفا می‌کند.^۵ چرخه دوگانه نوعی خودکفایی به معنای سنتی کلمه نیست بلکه بر اصلاح روابط اقتصادی داخلی و خارجی تکیه دارد.^۶ به دیگر سخن در قالب چرخه داخلی کانون پارادایم توسعه اقتصادی چین از صادرات محوری و سرمایه‌گذاری به مصرف داخلی دگرگون می‌شود. مزیت رقابتی سنتی اقتصاد چین که تا کنون نیروی کار ارزان بوده است به‌نوعی با بازار مصرف بزرگ به‌عنوان مزیت رقابتی جدید این کشور در اقتصاد جهانی جایگزین می‌گردد.^۷

خطمشی چرخه دوگانه به تدریج در قالب برنامه‌های مختلف دولت چین، به‌ویژه برنامه چهاردهم توسعه این کشور عملیاتی شده است. برنامه چهاردهم توسعه چین واجد چند ویژگی کلیدی است. نخست آن که به‌عنوان بخشی از رؤیای چینی و در راستای هدف میان‌مدت این کشور مبنی بر تبدیل چین به کشور مدرن با نظام سوسیالیستی، مرفه، قدرتمند، دموکراتیک و به لحاظ فرهنگی پیشرفته و همگون در سال ۲۰۴۹ طراحی شده است. دوم آنکه برای نخستین بار بر خلاف ۱۳ برنامه قبلی، نرخ رشد اقتصادی مشخصی در این برنامه در نظر گرفته نشده است، اما رهبری حزب اعلام کرده است که حجم اقتصاد چین باید تا سال ۲۰۳۵ دوبرابر شود. این هدف‌گذاری بدان معناست که میانگین رشد این کشور در ۱۵ سال آینده باید حدود ۵ درصد باشد. سوم آنکه مفهوم جدید توسعه که در بردارنده ترکیبی از اقتصاد پویا و پایدار با بهبود آشکار کیفیت و بهره‌وری است در کانون این برنامه قرار دارد. در این قالب نیل به سطوح بالاتر توسعه کیفی، بهره‌وری، عدالت اجتماعی و محیط‌زیست پایدار مورد تأکید قرار گرفته است. در این برنامه بر خلاف برنامه‌های گذشته صرفاً رشد اقتصادی در کانون قرار ندارد بلکه به رشد پایدار توجه شده است.

در این برنامه به چالش‌های چندی از جمله توسعه ناموزون، ظرفیت نوآوری پایین، نیاز به اصلاحات گسترده‌تر اقتصادی، بی‌ثباتی در تولید کشاورزی، شکاف میان توسعه شهری و روستایی، شکاف در توزیع درآمد، محیط‌زیست آلوده، کیفیت پایین خدمات عمومی و حکمرانی اجتماعی ضعیف به‌عنوان چالش‌های کلیدی اقتصاد سیاسی چین برجسته شده‌اند.

برای مدیریت این چالش‌ها و غلبه بر آنها اهداف چندگانه‌ای در این برنامه طراحی شده است. نخستین هدف توسعه اقتصاد دانش‌بنیان است تا چین در حلقه‌های بالاتر زنجیره جهانی ارزش قرار گیرد. هدف دوم تقویت تقاضای داخلی در راستای تحقق بخشی به چرخه دوگانه است. هدف سوم معطوف به احیای روستاهاست بدان معنا که توسعه روستایی و شهری را نه به‌عنوان دو فرایند جدا از یکدیگر بلکه به‌عنوان دو فرایند مکمل نگریسته شده تا اقتصاد شهر و روستا به‌نوعی مکمل یکدیگر شوند و توأمان و هم‌افزا توسعه یابند. چهارم افزایش سطح رفاه عمومی مردم به‌ویژه کاهش شکاف شدید طبقاتی است. پنجم توجه به الزامات زیست‌محیطی برای پیشبرد توسعه اقتصادی است که در این برنامه به آن توجه ویژه‌ای صورت گرفته است. ششم توجه ویژه به امنیت ملی و کاهش وابستگی به زنجیره‌های ارزش است. از منظر رهبران چین، وابستگی شدید این کشور به زنجیره‌های جهانی ارزش می‌تواند امنیت ملی چین را در معرض خطرات جدی قرار دهد. در این حوزه بر امنیت غذایی امنیت انرژی و امنیت منابع مالی یا حوزه تأمین منابع مالی به‌عنوان سه حوزه کلیدی امنیت اقتصادی چین مورد تأکید قرار گرفته‌اند. با اجرایی شدن برنامه ۵ ساله چهاردهم، پروژه‌های کلانی برای تأمین امنیت این حوزه‌ها شامل ایجاد زنجیره‌هایی از انبارها و تأسیسات ذخیره‌سازی مواد غذایی و انرژی، توسعه فعالیت‌ها در جهت اکتشاف و استخراج نفت و گاز

و افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی این کشور مورد تاکید قرار گرفته است. جدول ذیل اولویت‌های برنامه چهاردهم توسعه چین را نشان می‌دهد.

جدول ۱- اولویت‌های برنامه چهاردهم توسعه اقتصادی و اجتماعی چین

برنامه پنج‌ساله سیزدهم	برنامه پنج‌ساله چهاردهم	
۴	۳	توسعه اقتصادی
۴	۳	نوآوری
۷	۷	رفاه مردم
۱۰	۵	اکولوژی سبز
--	۲	امنیت
۲۵	۲۰	جمع‌بندی

جدول ۲- شاخص‌های اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی در طول دوره برنامه پنج‌ساله چهاردهم

ماهیت	میانگین سالانه	۲۰۲۵	۲۰۲۰	شاخص‌ها	حوزه‌ها
نشان‌دهنده	رشد را باید در فواصل منطقی نگه داشت و این بستگی به شرایط هر سال دارد	--	۲,۳	تولید ناخالص داخلی (%)	توسعه اقتصادی
نشان‌دهنده	بیشتر از رشد تولید ناخالص داخلی	--	۲,۵	رشد بهره‌وری نیروی کار (%)	
نشان‌دهنده		۶۵	۶۰,۶	رشد شهرنشینی (%)	
نشان‌دهنده		--	--	رشد هزینه کرد در حوزه R&D	نوآوری
نشان‌دهنده	در یک راستا با تولید ناخالص داخلی	۱۲	۶,۳	تعداد ثبت اختراعات به‌ازای هر ۱۰۰۰ نفر	
نشان‌دهنده		۱۰	۷,۸	سهم اقتصاد دیجیتال در تولید ناخالص داخلی	
نشان‌دهنده		--	۲,۱	رشد درآمد در دسترس	رفاه مردم
نشان‌دهنده		<۵,۵	۵,۲	نرخ بیکاری شهری	
الزام‌آور		۱۱,۳	۱۰,۸	میانگین سال‌ها آموزش جمعیت در سنین کار	
		۳,۲	۲,۹	تعداد پزشک مجاز در هر هزار نفر جمعیت	
نشان‌دهنده		۹۵	۹۱	نرخ مشارکت پایه بیمه بازنشستگی	
نشان‌دهنده		۴,۵	۱,۸	مهدکودک برای نوزادان زیر ۳ سال به‌ازای هر هزار نفر	
نشان‌دهنده		--	۷۷,۳	میانگین امید به زندگی	

الزام آور	۱۳,۵	---	---	کاهش در انرژی صرفی به ازای هر واحد از تولید ناخالص داخلی	انرژی سبز
الزام آور	۱۸	---	---	کاهش انتشار کربن دی‌اکسید به ازای هر واحد از تولید ناخالص داخلی	
الزام آور		۸۷,۵	۸۷	سهم روزهای پاک در شهرهای بزرگ	
الزام آور		۸۵	۸۳,۴	میزان آب‌های سطحی با کیفیت سطح ۳ یا بالاتر	
الزام آور		۲۴,۱	۲۳,۲	نرخ پوشش گیاهی	
الزام آور	۶۵۰ میلیون تن >			ظرفیت جامع تولید غلات	امنیت
الزام آور	معادل < ۴,۶ تن از زغال سنگ			ظرفیت جامع تولید انرژی	

لیوهه معاون اجرایی رئیس‌جمهور چین و مذاکره‌کننده اصلی این کشور در سازمان تجارت جهانی در مذاکرات تجاری با ایالات متحده که نقش مهمی در تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی این کشور ایفا می‌کند، در مقاله مفصلی در روزنامه خلق ارگان حزب کمونیست ۶ مؤلفه را برای چرخه دوگانه برشمرد. این مؤلفه‌ها شامل توسعه توان تکنولوژیک چین در حوزه تکنولوژی‌های بسیار پیشرفته، تقویت سمت عرضه در بازار داخلی، بهبود خدمات مالی، افزایش شهرنشینی هوشمند، گسترش اشتغال و درآمد و نهایتاً تداوم سیاست درهای باز به روی خارج.^۸

۲. چرخه دوگانه در فرایند اجرا

در ماه‌های اخیر استراتژی کلان چرخه دوگانه به‌عنوان کانون برنامه چهاردهم توسعه اقتصادی و اجتماعی چین به تدریج وارد فرایند اجرایی شده و طیفی از اقدامات توسط نهادهای بوروکراتیک صورت گرفته است. در این راستا کمیسیون توسعه و اصلاحات چین که نقش کلیدی را در روند توسعه این کشور ایفا می‌کند و به‌نوعی مغز متفکر توسعه چین محسوب می‌شود، کاهش هزینه‌های لجستیک و تولید از یک سو و افزایش بهره‌وری در این بخش از سوی دیگر را به‌عنوان یک هدف کلیدی مطرح کرده است. در این راستا نه‌تنها ادغام طیف وسیعی از شرکت‌های فعال در حوزه تولید در دستور کار قرار گرفته بلکه توسعه هم‌رسانی و تبادل اطلاعات میان این شرکت‌ها با استفاده از فناوری نسل پنجم ارتباطات 5G مدنظر قرار گرفته است. اصلاح این فرایندها تنها معطوف به تولیدکنندگانی که در بازار داخلی فعالیت می‌کنند نیست بلکه با هدف تسهیل صادرات چین نیز صورت می‌گیرد.

اشاره شد که یکی از نقاط تمایز برنامه چهاردهم توسعه چین تمرکز بر توسعه تکنولوژی‌ها و فناوری‌های نوین و بنیادین است، تمرکزی که در برنامه‌های پیشین توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشور چندان وجود نداشت. در این راستا کمیسیون توسعه و اصلاحات چین حوزه‌های اولویت‌دار برای کسب حمایت دولتی در سالهای پیش‌رو در قالب این برنامه را شامل نسل آینده فناوری اطلاعات، بیوتکنولوژی، تولیدات صنعتی بسیار پیشرفته، مواد جدید، انرژی‌های جدید، خودروهای الکتریکی، فناوری‌های سازگار با محیط‌زیست و خلاقیت دیجیتال برشمرده است.

وزارت بازرگانی چین به‌عنوان مهم‌ترین نهاد در تنظیم روابط تجاری چین در داخل و خارج، در برنامه ۵ ساله خود چرخه دوگانه را در کانون قرار داده و در این قالب حمایت از مصرف داخلی و متنوع‌سازی تجارت را به‌عنوان اولویت‌ها مطرح کرده است. در حوزه عملیاتی از ابتدای سال ۲۰۲۱ وزارت بازرگانی چین نه‌تنها محدودیت‌ها بر خرید خودرو را در برخی استان‌های این کشور لغو کرده است، بلکه مشوق‌هایی برای خرید خودروها از سوی شهروندان در نظر گرفته است، اقدامی که آشکارا در راستای تشویق به مصرف و تحریک سمت تقاضا انجام می‌شود. یکی دیگر از اقدامات این وزارتخانه ارائه مشوق‌های جدید به سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های فعال چینی در حلقه‌های بالای زنجیره ارزش است تا این شرکت‌ها توانمندی خود در تولید محصولات پیشرفته را ارتقا دهند. افزون بر این طیفی از وزارتخانه‌های چین اخیراً مشوق‌هایی برای شرکت‌های کوچک و متوسط این کشور که در حوزه‌های صنایع پیشرفته و اولویت‌دار در برنامه چهاردهم توسعه فعالیت می‌کنند، ارائه داده‌اند.

اما شاید مهم‌ترین اقدام وزارت تجارت چین از منظر بحث حاضر، انتشار کتابچه‌های راهنما برای متنوع‌سازی واردات این کشور باشد که در ماه‌های اخیر صورت‌گرفته است. هدف اصلی انتشار این کتابچه‌های راهنما تشویق واردکنندگان به تمرکز بر بازارهای نوظهور و کاهش وابستگی به بازارهای غرب است. در این راستا تاکید ویژه‌ای بر روسیه به‌عنوان یک بازار کلیدی و مطمئن برای واردات صورت‌گرفته است.

از طرف دیگر وزارت بازرگانی با همکاری وزارت صنعت و فناوری اطلاعات به چند نهاد دیگر در چین برنامه عملیاتی برای حمایت از بین‌المللی شدن اقتصاد دیجیتال چین با ایجاد مراکز تحقیق و توسعه در کشورهای دیگر و در سطح بین‌المللی ارائه کرده‌اند. روشن است که حمایت از تقاضای داخلی از یک سو و تقویت تولید از طریق جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای بهبود ظرفیت فناوری چین هر دو در راستای چرخه دوگانه قرار دارد.

اشاره شد که روند اجرای استراتژی کلان چرخه دوگانه تازه آغاز شده است از همین رو اقدامات اجرایی دولت چین برای تحقق این اهداف این استراتژی کلان تا میان‌مدت تا مدت‌ها خواهد یافت در این مسیر نیل به دو هدف اهمیت اساسی خواهد داشت. نخست کاهش وابستگی در حوزه کالاهای راهبردی. در این قالب

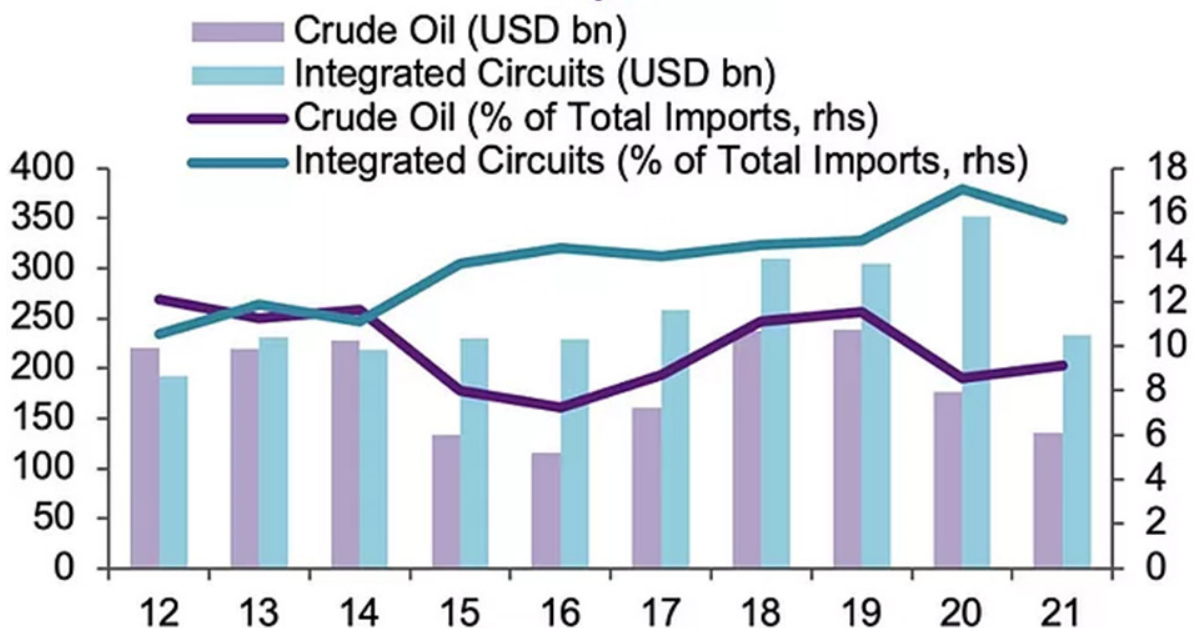
دولت چین توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، سرمایه‌گذاری‌های عظیم در حوزه فلزات کمیاب در داخل و خارج و گسترش شبکه لجستیک جدید در قالب ابتکار کمربند راه را برای واردات انرژی و سایر کالاهای راهبردی تداوم خواهد بخشید.

افزون بر این به ارائه یارانه‌های بسیار سنگین به بخش انرژی تداوم خواهد داد تا از یک سو این بخش به پاشنه آشیل اقتصاد چین بدل نشود و از طرف دیگر مزیت رقابتی این کشور در اقتصاد جهانی حفظ شود. بخش انرژی بیشترین میزان یارانه را در چین دریافت می‌کند و دو شرکت پتروچاینا و سینوپک بالاترین میزان یارانه‌های دولتی این کشور را در سال‌های اخیر دریافت کرده‌اند.

هدف دوم که همچنان در دستور کار دولت چین خواهد بود نیل به موقعیت خودکفایی فناورانه به‌ویژه در حوزه‌های بسیار پیشرفته خواهد بود. در این قالب سرمایه‌گذاری سنگین چین در حوزه‌های تحقیق و توسعه همچنان تداوم خواهد یافت. سرمایه‌گذاری چین در حوزه خودکفایی فناورانه به طور فزاینده‌ای بر نیمه‌هادی‌ها یا نیمه‌رساناها متمرکز می‌شود. نیمه‌رساناها قلب بسیاری از صنایع محسوب می‌شوند و از طرف دیگر مهم‌ترین معضل چین در توسعه توان فناورانه این کشور نیز شمار می‌آیند. همان گونه که نمودار ذیل نشان می‌دهد در سال‌های اخیر واردات نیمه‌هادی‌ها از واردات نفت پیشی گرفته است.

نمودار ۱- پیشی گرفتن واردات نیمه‌رساناها از نفت در سبد وارداتی چین در سال‌های اخیر

Semiconductors Overtook Oil as China's Top Import

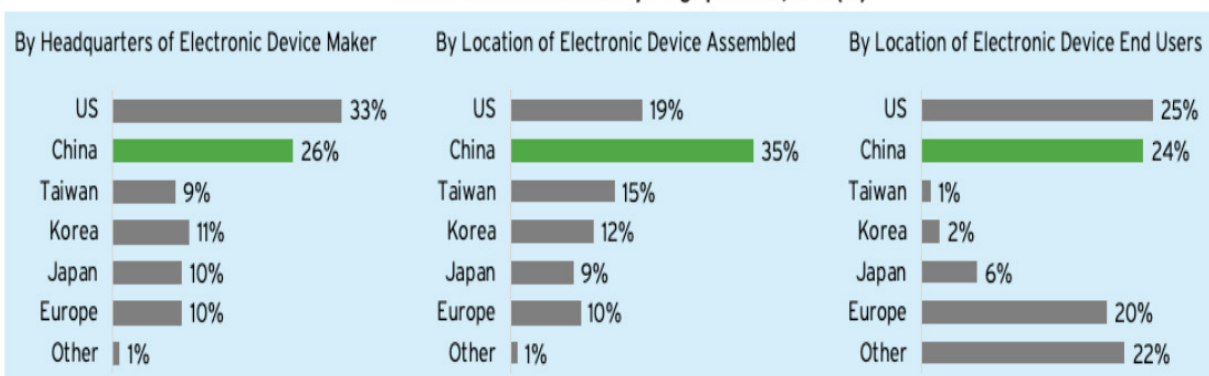


Source: Natixis, CEIC

دولت چین می‌کوشد وابستگی در این حوزه را کاهش دهد. از همین رو در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای را برای حمایت از شرکت‌های داخلی صورت داده است. در سال ۲۰۱۴ دولت چین ۱۴۰ میلیارد یوان در فاز اول برای توسعه صنعت نیمه‌رساناها اختصاص داد. فاز نخست حمایتی در سال ۲۰۱۹ به پایان رسید. در سال ۲۰۱۹ و در آغاز فاز دوم حمایت از صنعت نیمه‌رساناها، دولت چین ۲۰۴ میلیارد یوان را برای حمایت از این صنایع اختصاص داده است^۱. همان‌گونه که نمودارهای ذیل نشان می‌دهند علی‌رغم آنکه چین دومین بازار بزرگ نیمه‌رساناهاست اما سهم این کشور در بازار جهانی این کالاها اندک است. این سهم اندک هنگامی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که با سهم بالای ایالات متحده در این صنعت مقایسه گردد. تسلط ایالات متحده در این حوزه چالشی راهبردی برای چین محسوب می‌شود و این کشور می‌کوشد با توسعه توان فناورانه در این حوزه، از وابستگی راهبردی به آمریکا و شرکای آن بکاهد.

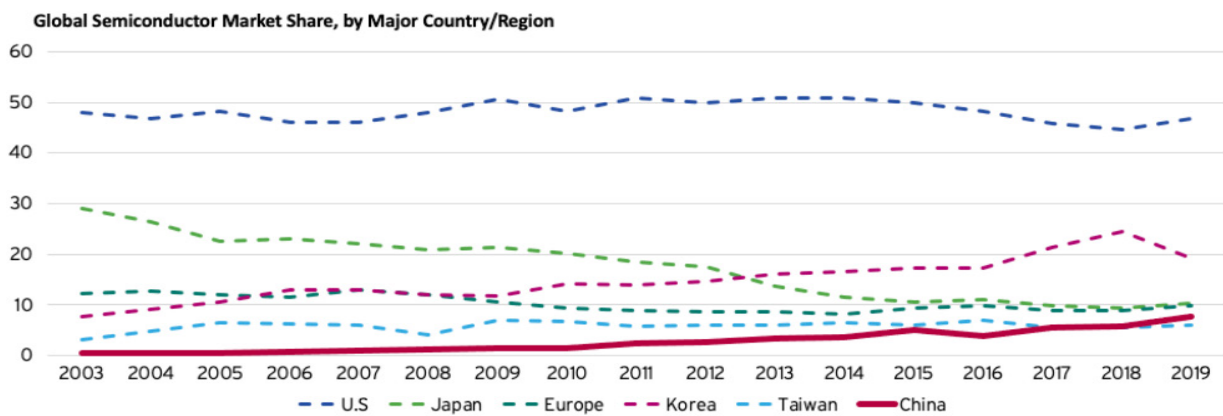
نمودار ۲- فروش جهانی نیمه‌رساناها در مناطق مختلف

Global Semiconductor Sales by Geographic Area, 2019 (%)



Source: UN Comtrade; BCG x SIA: Strengthening the Global Semiconductor Supply Chain in an Uncertain Era

نمودار ۳- سهم کشورهای کلیدی از بازار نیمه‌رساناها



Source: company financials, SIA Research, WSTS, Omida



۳. چرخه دوگانه، پیامد دو روند در اقتصاد سیاسی چین

در برداشت نخست کنش درون‌گرایانه چین در حوزه اقتصاد سیاسی تعجب‌آور است. کشوری که در اوج بهره‌مندی از امکانات جهانی قرار دارد و بازارها را یکی پس از دیگری فتح می‌کند به ناگاه گوشه‌نشینی اختیار می‌کند، راهبرد شبه خودکفایی را در پیش می‌گیرد و داخل را بر خارج ترجیح می‌دهد. اما تصمیم چین چنین ساده نیست. این راهبرد بیش از آنکه انتخاب باشد نوعی الزام محسوب می‌شود. به دیگر سخن چین در پاسخ به دو روند این راهبرد را در پیش گرفته است.

روند نخست تغییر در محیط بین‌المللی اقتصاد سیاسی چین است. به طور تاریخی "محیط بین‌المللی موافق" یا آنچه چینی‌ها فرصت راهبردی می‌نامند،^{۱۰} یکی از متغیرهای کلیدی شکل‌دهنده به موفقیت‌های توسعه‌ای چین و روابط این کشور با جهان خارج بوده است. از دهه ۱۹۷۰ که چین سیاست اصلاحات و درهای باز را در پیش گرفت تا سال‌های اخیر محیط بین‌المللی همواره موافق توسعه و پیشرفته چین بود و درهای اقتصاد جهانی به روی این کشور گشوده بود.

با ورود چین به سازمان تجارت جهانی اقتصاد این کشور در مسیر ادغام در اقتصاد جهانی قرار گرفت و دسترسی این کشور به بازارهای جهانی به شدت افزایش یافت. افزون بر این امکانات نظم بین‌المللی لیبرال و کالاهای عمومی این نظم نیز در اختیار چین قرار داشت. این کشور بسیار بیش از سایر کشورهای درحال توسعه از این امکانات بهره برد. از همین روست که چین را مهم‌ترین برنده فرایند جهانی شدن در دوران پس از جنگ سرد لقب داده‌اند.^{۱۱}

در این دوره ایالات متحده استراتژی کلان "تعامل"^{۱۲} را در قبال چین پیگیری می‌کرد. در قالب این استراتژی ایالات متحده می‌کوشید تا با توسعه تعاملات اقتصادی و سیاسی با چین این کشور را به اقتصاد جهانی پیوند زند، زمینه رشد طبقه متوسط این کشور را فراهم آورد، فرصت‌های شرکت‌های آمریکایی را در این اقتصاد بزرگ افزایش دهد و سرانجام زمینه را برای تغییر نظام سیاسی چین در قالب فرایند تکامل مسالمت‌آمیز به‌نوعی لیبرال دموکراسی را تسهیل نماید.^{۱۳} در این قالب ایالات متحده امیدوار بود تا طبقه متوسط رو به گسترش چین به تدریج فشار بر حزب کمونیست را افزایش دهد و حکومت تک حزبی این کشور مانند کشورهای کره جنوبی، تایوان و برخی دیگر از کشورهای آسیایی به‌نوعی از لیبرال دموکراسی تغییر نماید.

اما از یک دهه پیش روشن شد که نه‌تنها چین در این مسیر قرار ندارد بلکه تمرکز قدرت در این کشور فزاینده است. روند تمرکز قدرت در این کشور با مادام‌العمر شدن ریاست‌جمهوری شی جین‌پینگ و تبدیل شدن او به رهبری بلامنازع و دارای رویکرد منتقدانه به غرب تکمیل شد.^{۱۴} افزون بر این بهره‌مندی

چین از امکانات جهانی شدن در قالب نفوذ فزاینده به بازارهای کشورهای اروپایی و نیز بازار ایالات متحده، تهدیدات فزاینده علیه نیروی کار، طبقه متوسط و رقابت‌پذیری شرکت‌های این کشورها ایجاد کرد. توسعه توان نظامی چین نیز بر استرس ساختاری آمریکا افزود. در تصویر کلان، شکاف قدرت چین و ایالات متحده به سرعت رو به کاهش رفت و این کشور به رقیب بالقوه آمریکا در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و به‌طور کلی در سیاست بین‌الملل بدل شد.^{۱۴}

با وقوع این تغییرات، پارادایم حاکم بر روابط چین و ایالات متحده و در سطح کلان‌تر غرب، رو به تغییر رفت. پارادایم کلان تعامل و پیوند زدن چین به منطقه صلح‌لیبرالی به پارادایم توازن سازی در برابر چین و مهار این کشور تغییر کرد.^{۱۵} این تغییر از اواخر دوره اوباما آغاز شد و در دوره ترامپ به اوج رسید. بایدن این روند را با تاکتیک‌های متفاوتی ادامه می‌دهد. در تازه‌ترین گفتگوی او با رئیس‌جمهور چین، بایدن تأکید کرد که برای "مدیریت رقابت و ممانعت از تبدیل شدن آن به درگیری" با همتای چینی مذاکره کرده است. این سخن نماد تثبیت پارادایم رقابت با چین در ایالات متحده است.^۱

روشن است که پارادایم رقابت و مهار از اساس با پارادایم تفاهم و تعامل تفاوت دارد. در قالب پارادایم جدید تغییر محیط بین‌المللی اقتصاد سیاسی علیه این کشور، محدودسازی دسترسی آن به اقتصادهای غربی و ایجاد مشکلات ساختاری در مسیر توسعه تعاملات چین با جهان در حال توسعه در کانون سیاست‌گذاری ایالات متحده قرار گرفت.

پارادایم جدید در سال‌های اخیر در قالب دو رهیافت اجرایی شده است. رهیافت نخست محدود کردن تدریجی دسترسی چین به بازارهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده است که با جنگ تجاری میان دو کشور در دوره ترامپ و اعمال انواع محدودیت‌ها آغاز شد. این رهیافت در دوره بایدن با تاکتیک‌های متفاوتی تداوم یافته است.^{۱۶}

رهیافت دوم بر امنیتی‌سازی شرکت‌های بزرگ چینی و بیرون راندن تدریجی آنان از مدار رقابت با شرکت‌های غربی متمرکز است. این رهیافت در شرایط کنونی بر شرکت‌های فناوری اطلاعات چین متمرکز شده به‌ویژه بیرون راندن چین از بازار فناوری 5G در کشورهای غربی را هدف قرار داده است. در سال‌های اخیر شرکت هواوی که مهم‌ترین شرکت در این حوزه محسوب می‌شود به تدریج از بازارهای ایالات متحده و طیف رو به گسترشی از کشورهای غربی بیرون رانده شده است.^{۱۷}

در این رهیافت، ایالات متحده با ادعای اتصال این شرکت‌ها به دولت چین و به‌ویژه ارتش این کشور، طیف فزاینده‌ای از آنها را به‌عنوان ابزارهای جاسوسی دولت چین تصویرسازی کرده است. این تصویرسازی

زمینه را برای اعمال محدودیت‌های قانونی در سرمایه‌گذاری و حضور شرکت‌های چینی در اقتصاد ایالات متحده ایجاد کرده است. بعلاوه ایالات متحده، متحدین خود را برای درپیش گرفتن رویه‌های مشابهی تشویق کرده یا تحت فشار قرار داده است.

امنیتی کردن شرکت‌های چینی تازه آغاز شده است و احتمالاً به تدریج حوزه‌های وسیع‌تری را در بر می‌گیرد. در آمریکای امروز که کشوری به شدت قطبی محسوب می‌شود، مقابله با چین یکی از اندک حوزه‌های مورد توافق میان دو حزب و بدنه اجتماعی آنهاست. در این قالب نه تنها مقابله با چین و نفوذ فزاینده آن از سوی طیف وسیعی از افکار عمومی آمریکا حمایت می‌شود بلکه پایگاه اجتماعی احزاب و سیاستمداران را تقویت می‌کند. این تحول سیاسی کلیدی در ایالات متحده زمینه را برای تداوم پارادایم جدید تا آینده قابل پیش‌بینی هموار می‌کند.^{۱۸}

پیشبرد این دو رهیافت به طور فزاینده‌ای زنجیره‌های عرضه جهانی را برای چین ناامن کرده است. به دیگر سخن در آینده دسترسی چین به زنجیره‌های جهانی عرضه به‌ویژه در حوزه فناوری‌های پیشرفته و حوزه‌های که غرب در آن‌ها به نوعی انحصار دارد نه تنها تضمین شده نخواهد بود بلکه با نااطمینانی‌های فزاینده‌ای مواجه است. مهم‌تر آنکه بخش مهمی از بازارهای صادراتی چین احتمالاً در سال‌های آینده برخلاف گذشته به صورتی آسان در دسترس این کشور نخواهد بود.

دومین روند، اجرای تدریجی استراتژی جدید توسعه صنعتی چین است. دولت چین در سال ۲۰۱۵ نخستین سند مدون توسعه صنعتی را پس از آغاز برنامه اصلاحات و سیاست درهای باز منتشر کرد. اصول راهنمای سیاست صنعتی چین موسوم به ساخت چین ۲۰۲۵ به صورت ذیل تبیین شده‌اند:

۱- تبدیل بخش تولید صنعتی چین به تولید ابتکار محور و خلاق

۲- تأکید بر کیفیت به جای کمیت

۳- بهینه‌سازی ساختار صنعتی چین

۴- دستیابی به توسعه سبز (پایدار)

۵- ارتقای استعدادها و سرمایه انسانی

بر مبنای اصول فوق‌الذکر، اهداف ذیل به‌عنوان اهداف کلیدی توسعه صنعتی این کشور تا سال ۲۰۲۵ در نظر گرفته شده‌اند:

۱- ارتقاء کامل و جامع صنعت چین

۲-افزایش میزان بهره‌وری این صنعت به گونه‌ای که چین بتواند در حلقه‌های بالاتر زنجیره جهانی تولید قرار گیرد

۳-افزایش سهم تولید داخل در اجزای اصلی تولیدات صنعتی به ۴۰ درصد تا ۲۰۲۰ و ۷۰ درصد تا ۲۰۲۵

در این سند ۱۰ صنعت به‌عنوان صنایع کلیدی که تمرکز تا سال ۲۰۲۵ باید بر ارتقای آنان قرار گیرد گزینش شده‌اند. این ده صنعت عبارت‌اند از:

۱- فناوری‌های جدید و پیشرفته اطلاعات

۲- روباتیک و ماشین‌های اتوماتیک

۳- هوافضا و تجهیزات هوانوردی

۴- صنایع دریایی و کشتی‌های هایتک

۵- تجهیزات خط آهن مدرن

۶- وسایل نقلیه‌ای که از انرژی‌های جدید بهره می‌گیرند

۷- تجهیزات تولید نیرو

۸- تجهیزات کشاورزی

۹- مواد پیشرفته

۱۰- بیوفارما و تجهیزات پیشرفته پزشکی

گرچه نقش دولت در پیشبرد اهداف فوق در سطح کلان برجسته است و اقداماتی نظیر حمایت مالی از ایجاد ۲۰ مرکز نوآوری در تولید تا ۲۰۲۰ و ۴۰ مرکز تا سال ۲۰۲۵ را تعهد نموده است، اما اتکای سند برای پیشبرد سیاست صنعتی جدید به نهادهای بازار، تقویت مکانیسم‌های حفاظت از مالکیت معنوی شرکت‌های کوچک و متوسط و بهره‌برداری بهتر از مالکیت معنوی در استراتژی کسب‌وکار، اجازه دادن به شرکت‌ها برای خوداظهاری استانداردهای صنعتی‌شان و کمک به آنان برای مشارکت بهتر در وضع کردن استانداردهای بین‌المللی است.

سیاست صنعتی جدید چین نماد گسست این کشور از "کارخانه جهان" است. از دوره اصلاحات و سیاست درهای باز تاکنون چین همواره کارخانه جهان بوده و در حلقه تولید صنعتی با فناوری پایین و متوسط ایفای نقش کرده است. این کشور در سال‌های اخیر کوشیده تا در حلقه‌های بالاتر زنجیره جهانی ارزش قرار

گیرد و ارزش افزوده بیشتری را نصیب شرکت‌ها و اقتصاد خود کند. مهم‌تر آنکه در رقابت فزاینده اقتصادی با غرب موقعیت خود را حفظ کند. این سیاست صنعتی و تمرکزی که بر صنایع پیشرفته صورت گرفته به‌روشنی چنین اراده‌ای را نشان می‌دهد.

چین نه تنها در قالب استراتژی جدید صنعتی می‌کوشد در حلقه‌های بالایی زنجیره ارزش قرار گیرد بلکه با طراحی و اجرای کمربند اقتصادی جاده ابریشم یا آنچه به ابتکار کمربند و راه مشهور شده تلاش می‌کند تا زمینه‌های بین‌المللی را برای موفقیت این استراتژی فراهم آورد. به دیگر سخن ابتکار کمربند و راه زمینه‌سازی بین‌المللی برای اجرایی‌شدن سیاست صنعتی جدید، چرخه دوگانه و تبدیل‌شدن چین به ابرقدرت فناوری است. از همین روست که این ابتکار عمدتاً در حال توسعه را در کانون قرار داده است.

اجرایی‌شدن تدریجی استراتژی جدید توسعه صنعتی چین زمینه را برای جنگ تجاری میان چین و آمریکا فراهم آورد، بر مخالفت‌های غرب با ابتکار کمربند و راه افزود و اتحادیه اروپا را وادار به انتقاد از سیاست‌های محدودکننده و حمایت‌گرانه چین نمود. استدلال کانونی غرب به‌ویژه ایالات متحده این است که چین با ارائه یارانه‌های بسیار سنگین به صنایع منتخب سند ساخت چین ۲۰۲۵، امکان شکل‌گیری هرگونه رقابت در بازار جهانی را از بین می‌برد یا تضعیف می‌کند.

از منظر آنان هیچ دولت دیگری در جهان نمی‌تواند چنین یارانه‌هایی بپردازد. مهم‌تر آنکه پرداخت این یارانه‌ها با اصول اقتصاد بازار در تعارض است. غرب استدلال می‌کند که چین نمی‌تواند از یک سو چنین یارانه‌های سنگینی را به صنایع خود تزریق کند و از طرف دیگر خواهان دسترسی به بازارهای کشورهای دارای اقتصاد آزاد باشد.

از دیگر سو چین نیز نگرانی‌های خاص خود را دارد. اشاره شد که دسترسی چین به بازار غرب به‌ویژه در حوزه صنایع پیشرفته به طور فزاینده‌ای دچار چالش می‌گردد و نااطمینانی‌های آن افزایش می‌یابد. چین استدلال می‌کند که به خودکفایی در صنایع بسیار پیشرفته نیازمند است، زیرا وابستگی این کشور به غرب در این حوزه آسیب‌پذیری استراتژیک آن را به شدت افزایش داده است. چین در پیشبرد این استراتژی مصمم است و با وجود در گرفتن جنگ تجاری با ایالات متحده و پیچیدگی روابط با اتحادیه اروپا همچنان ساخت چین ۲۰۲۵ را در دستور کار قرار دارد و از مسیر اجرای ابتکار کمربند و راه زمینه‌های بین‌المللی اجرایی‌شدن آن را فراهم می‌آورد.

۴. ایران و چرخه دوگانه چین

سنجش پیامدهای استراتژی کلان چرخه دوگانه چین بر موقعیت ایران به‌عنوان کشوری در حال توسعه، تحت تحریم و تنیده شده در اقتصاد چین دشوار است، به‌ویژه آنکه این استراتژی کلان تازه اجرایی شده و روند اجرایی آن مدت‌ها به طول خواهد انجامید.

با وجود این، در برداشت نخست می‌توان پیامدهای احتمالی اجرایی شدن را در دولایه کلان و دوجانبه بر موقعیت ایران مورد بحث قرار داد. در لایه کلان اقتصاد جهانی، حرکت چین به‌سوی چرخه دوگانه از یک سو و فشارهای فزاینده غرب علیه این کشور از سوی دیگر به تدریج راه را برای دگرگونی اقتصادی سیاسی بین‌الملل پس از جنگ سرد هموار می‌کند.

در اقتصاد سیاسی بین‌الملل پساجنگ سرد همواره نوعی ثبات هژمونیک وجود داشت. ایالات متحده و در سطحی کلان‌تر گروه موسوم به هفت نقش قاعده‌نویس را ایفا می‌کردند و سایر کشورها قاعده‌پذیر بودند. خیزش چین و سیاست‌های کلان اقتصادی این کشور در سال‌های اخیر به‌ویژه استراتژی توسعه صنعتی جدید و چرخه دوگانه، ثبات هژمونیک در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل را از بین برده است. به دیگر سخن اقتصاد سیاسی جهانی وارد دوره جدیدی شده است، دوره‌ای که در آن دو قطب اقتصادی کلیدی شکل گرفته‌اند و روابط پرتنش با یکدیگر دارند. آینده روند گسست اقتصادی میان چین و غرب در مراکز دانشگاهی و فکری محل بحث است و پیش‌بینی آینده آن دشوار. اما می‌توان مدعی شد اقتصاد پساجنگ سردی که بر محوریت رهبری و راهبری ایالات متحده و قاعده‌پذیری سایر کشورها قرار داشت به شدت ضعیف شده است.

شکل‌گیری دو قطب قدرت در اقتصاد جهانی می‌تواند بالقوه برای ایران فرصت‌ساز باشد و دامنه انتخاب‌های دیپلماسی اقتصادی کشور را افزایش دهد. در شرایط کنونی نیز آثار چنین وضعیتی در اقتصاد سیاسی ایران تا حدی آشکار شده است. تنیدگی در اقتصاد چین یکی از دلایل کلیدی مقاومت ایران در برابر فشارهای خردکننده تحریم‌های ایالات متحده بوده است. به دیگر سخن در صورتی که چین نیز مانند کشورهای چین ژاپن و آلمان تمام درهای اقتصادی را به روی ایران می‌بست، مقاومت در برابر تحریم‌های ایالات متحده برای ایران بسیار دشوارتر و بلکه ناممکن می‌گشت.

از دیگر سو هرچه تنش میان دو بلوک قدرت و ثروت در اقتصاد سیاسی بین‌المللی افزایش یابد فضای این حوزه قطبی‌تر می‌شود. در چنان شرایطی کشورهای میان‌پایه‌ای چون ایران برای حفظ موقعیت در میانه رقابت دو قدرت با فشار بسیار مواجه خواهند بود به دیگر سخن قرار گرفتن در مدار چین یا آمریکا و بدل شدن به یکی از اقمار آنها از تهدیداتی است که پیش‌روی طیف وسیعی از کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه



ایران قرار دارد. تحریم مهم‌ترین عامل محدودکننده آزادی عمل بین‌المللی کشور در دهه‌های اخیر بوده است. در شرایطی که ایران تحت تحریم باقی بماند و بخش خصوصی و دولتی امکان تعامل با هسته اقتصاد جهانی نداشته باشند، وابستگی فزاینده به چین دور از انتظار نخواهد بود.

گسترش آزادی عمل بین‌المللی ایران شرط لازم برای بهره‌برداری کشور از شرایط جدید در اقتصاد جهانی است. در شرایطی که توافق هسته‌ای احیا گردد و گزینه‌های دیپلماسی اقتصادی کشور افزایش یابد ایران می‌تواند فضای مانور قابل توجهی در اقتصاد سیاسی جدید بین‌المللی پیدا کند و از شکاف رو به گسترش میان دو قدرت بزرگ بیشترین بهره را نصیب خود سازد.

در لایه دوجانبه توجه بیشتر چین به کشورهای درحال توسعه و نگرانی فزاینده این کشور در مورد امنیت انرژی و امنیت غذایی می‌تواند برای روابط ایران و چین فرصت‌ساز باشد. اشاره شد که شرکت‌های چینی در بازار غرب به طور فزاینده تحت فشار قرار می‌گیرند، امنیتی‌سازی و حتی اخراج می‌شوند. از دیگر سو توانمندی‌های فناورانه چین به شدت رو به افزایش است و این کشور به سرعت بدل به قدرت درجه یک فن آوری می‌گردد. از دست‌دادن تدریجی بخشی از بازارهای غرب برای شرکت‌های چینی گران تمام می‌شود. این شرکت‌ها با فشارهای فزاینده‌ای برای یافتن بازارهای جدید مواجه خواهند شد. در چنین شرایطی بازارهای متوسطی چون ایران می‌تواند بیش از گذشته برای شرکت‌های چینی به‌ویژه در حوزه‌های فناوری جذاب باشد. البته این جذابیت منوط به احیای توافق هسته‌ای و از بین رفتن هسته تحریم‌های اعمالی علیه ایران است.

افزون بر این چین به طور فزاینده‌ای نگران امنیت انرژی خود می‌شود. در این روند چین بیش از گذشته به روسیه و کشورهای آسیای مرکزی توجه نشان داده است. ایران یکی از معدود کشورهای جهان است که در نقشه ژئوپلیتیک انرژی، حوزه نفوذ ایالات متحده محسوب نمی‌شود و می‌تواند به صورت پایدار منابع انرژی موردنیاز چین را تأمین نماید. بعلاوه ایران تنها کشوری در خاورمیانه است که از مسیرهای خشکی و دریایی می‌تواند به چین انرژی صادر نماید. این مزیت در دوره جدید که چرخه دوگانه در کانون استراتژی کلان توسعه چین قرار گرفته بیش از گذشته می‌تواند در روابط دو کشور مؤثر واقع گردد. اشاره شد که امنیت غذایی نیز در قالب این چرخه برای چین بیش از گذشته اهمیت پیدا می‌کند. تعریف جایگاه ایران در امنیت غذایی چین به مثابه یک فرصت، منوط به انجام مطالعات کارشناسی دقیق است.

منابع

- 1- Denoon, D.. China's Grand Strategy: A Roadmap to Global Power?. New York, USA: New York University Press, (2021).
- 2- Vogel, Ezra (2021) The Leadership of Xi Jinping: A Dengist Perspective, Journal of Contemporary China, 30:131, (2021): 693-696.
- 3- Ding, A.S., & Panda, J.P. (Eds.). Chinese Politics and Foreign Policy under Xi Jinping: The Future Political Trajectory (1st ed.). Routledge. (2020) <https://doi.org/10.4324/9781003041481>
- 4- Yi Edward Yang (2021) China's Strategic Narratives in Global Governance Reform under Xi Jinping, Journal of Contemporary China, 30:128, 299-313, DOI: 10.1080/10670564.2020.1790904
- 5- Frank Tang, "Explainer: What is China's dual circulation economic strategy and why is it important?", China Macro Economy, Nov. 19, 2020. <<https://www.scmp.com/economy/china-economy/article/3110184/what-chinas-dual-circulation-economic-strategy-and-why-it>> Nov. 27, 2018.
- 6- Xinhua, "Explainer: China's new "dual circulation" development paradigm?", Xinhua, Mar. 28, 2020. <<https://www.scmp.com/economy/china-economy/article/3110184/what-chinas-dual-circulation-economic-strategy-and-why-it>> Nov. 27, 2018.
- 7- Xinhua, "China Focus: Understanding "dual circulation" and what it means for world", Xinhua, Sep. 05, 2020. <http://www.xinhuanet.com/english/2020-09/05/c_139345700.htm> Nov. 27, 2018.
- 8- <http://politics.people.com.cn/n1/2020/1125/c1001-31943814.html>
- 9- Boosting Dual Circulation with Regional Economic Integration
Libin, Luo. China Economic Transition = Dangdai Zhongguo Jingji Zhuanxing Yanjiu; Beijing Vol. 4, Iss. 3, (2021): 74-78. DOI:10.3868/s060-012-021-0038-3
- 10- <http://en.people.cn/features/ndpaper2002/nd.html>
- 11- Overholt, William H., China and Globalization. Santa Monica, CA: RAND Corporation, 2005. <https://www.rand.org/pubs/testimonies/CT244.html>.
- 12- RUSSELL ONG, 'Peaceful Evolution', 'Regime Change' and China's Political Security, Journal of Contemporary China, 16:53, (2007): 717-727.
- 13- Ding, A.S., & Panda, J.P. (Eds.). Chinese Politics and Foreign Policy under Xi Jinping: The Future Political Trajectory (1st ed.). Routledge, (2020). <https://doi.org/10.4324/9781003041481>
- 14- Navarro, P., & Autry, G. (2011). Death by China: Confronting the dragon--a global call to action. Upper Saddle River, N.J: Prentice Hall.
- 15- Hillary Clinton, "America's Pacific Century", foreignpolicy, OCTOBER 11, 2011. < <https://foreignpolicy.com/2011/10/11/americas-pacific-century/>> Nov. 27, 2018.
- 16- <https://www.piie.com/research/trade-investment/us-china-trade-war>
- 17- Daphne Zhang, "U.S. Push on Huawei Ripples Through Markets", the wall street journal, Nov. 23, 2018. <<https://www.wsj.com/articles/u-s-push-on-huawei-ripples-through-markets-1542981918>> Nov. 27, 2018.
- 18- Jiang, H., & Yu, M. (2021). Understanding RCEP and CPTPP: from the perspective Chinas dual circulation economic strategy. China Economic Journal, 14(2).